

اصالت تاریخی سخنان امام علی علیه السلام درباره آفرینش موجودات و نقد شبهات^۱

فاطمه معصومی*

مهدی مردانی (گلستانی)**

چکیده

پس از تألیف *نهج البلاغه* توسط سید رضی علیه السلام، انتقادهایی چند درباره انتساب آن به امام علی علیه السلام وارد شد. توصیفات دقیق امام علی علیه السلام درباره آفرینش موجودات، دستمایه برخی ناقدان اهل سنت برای انکار انتساب این سخنان به حضرت شد و آن را مربوط به دوره عباسیان دانستند. اما با بررسی متون مختلف تاریخی و ادبی و نیز تحلیل فضای صدور این دست از سخنان، درمی یابیم که این سبک از توصیفات، نه تنها در عصر امام علی علیه السلام، بلکه در دوره پیش از ایشان نیز رایج بوده و بسیاری از خطبا و شعرای عرب بدان توجه نشان داده‌اند. این مقاله کوشیده است از خلال تبیین دیدگاه مخالفان، به نقد و ارزیابی آن بپردازد و بر پایه مستندات تاریخی، اصالت و اعتبار *نهج البلاغه* را اثبات کند.

کلیدواژه‌ها: شبهات نهج البلاغه، تحلیل تاریخی، توصیف موجودات، خلقت طاووس، خلقت انسان.

۱. این نگاه همسو با فعالیت‌های علمی مرکز تخصصی حدیث، منتشر می‌شود.

* کارشناس ارشد علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث.

** عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث (mardani.m@qhu.ac.ir)

مقدمه

کتاب *نهج البلاغه*، مجموعه‌ای از سخنان گهربار امام علی علیه السلام است که در پایان قرن چهارم هجری توسط سید رضی در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها جمع‌آوری شده است. ویژگی‌های برجسته این کتاب شریف، موجب شد بسیاری از عالمان و اندیشمندان اسلامی در برابر این اثر کم‌نظیر سر تعظیم فرود آورند و زبان به ستایش و تجمید آن بگشایند؛ چنان که محمد عبده - مفتی بزرگ مصر - گفته است:

همه دانشمندان و آگاهان این زبان معتقدند سخن علی علیه السلام پس از کلام خداوند متعال و پیامبرش، برترین و بلیغ‌ترین، در جوهر و مایه پربارترین، در شیوه و سبک بلندترین، و در معنا جامع‌ترین کلام است.^۱

این در حالی است که همین ویژگی‌های تحسین‌برانگیز، نه تنها در دل برخی افراد کوتاه‌نظر و نادان، اثر نداشته است، بلکه آنان را به جبهه‌گیری و ایراد شبهات و انتقادات درباره آن واداشته است.

کهن‌ترین سابقه شبهه‌افکنی بر *نهج البلاغه*، مربوط به ابن‌خلکان اربلی (۶۰۸ - ۶۸۱ ق) در کتاب *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان* است.^۲ پس از وی نیز نویسندگانی از اهل سنت، نقدهایی مطرح کرده‌اند که یا تکرار سخن ابن‌خلکان بوده و یا افزوده بر آن نیز داشته است.^۳

نقدهای مربوط به انتساب *نهج البلاغه* به امام علی علیه السلام خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: الف) نقد محتوایی در مسائل اعتقادی، علمی، عقلی که ناظر به مفاهیم و مطالب مندرج در *نهج البلاغه* است؛ مانند کاربرد اصطلاحات فلسفی در این کتاب شریف، توصیفات دقیق امام علیه السلام در بیان آفرینش مخلوقات و به‌کارگیری تقسیمات عددی در *نهج البلاغه*.

ب) نقد صوری که ناظر به نوع گفتار و نوشتار مطالب مندرج در این کتاب است و می‌توان به این موارد اشاره کرد: به‌کارگیری سجع در عبارات، طولانی بودن خطبه‌ها،

۱. شرح *نهج البلاغه*، ج ۱ ص ۱۲.

۲. *وفیات الاعیان*، ج ۳، ص ۳۱۳.

۳. افرادی مانند ذهبی (۷۴۸ م) در *میزان الاعتدال*، ابن‌حجر عسقلانی (۸۵۲ م) در *لسان المیزان* و نیز شوقی ضیف در *اللغة العربیة للعصر الاسلامی*، سخنان ابن‌خلکان را تکرار کرده‌اند.

تقسیمات عددی و

اما نقدی که در این مقاله موضوع بررسی قرار گرفته است، توصیف دقیق امام علی علیه السلام درباره آفرینش انسان و برخی حیوانات است که از یک سو به دلیل ارتباط با معارف *نهج البلاغه* و توصیفات امام علیه السلام، در زمره نقد محتوایی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، به سبب بررسی سبک و اسلوب سخن جزو نقد صوری به شمار می‌آید. گفتنی است درباره نقد شبهات *نهج البلاغه* پژوهش‌های گوناگونی به نگارش درآمده،^۱ اما پرداخت مستقل به یکی از شبهات *نهج البلاغه* با رویکرد تاریخی، در پژوهش‌های پیشین دیده نشده است.

۱. گزارش دیدگاه مخالفان

نخستین گام در یک نقد منصفانه و عالمانه، آن است که سخن مخالف را بشنویم، دیدگاه‌هایش را بسنجیم و همه جوانب و ابعاد آن را بفهمیم. سپس بر اساس ادعاهایی که در کلام وی به کار رفته است، آن را نقد و ارزیابی کنیم. از این رو برای ارزیابی دیدگاه کسانی که به *نهج البلاغه* نقد وارد کرده و توصیف دقیق مخلوقات را مستند خود قرار داده‌اند، شایسته است که ابتدا سخن آنان نقل و بررسی شود.

احمد زکی صفوت (م ۱۹۳۴) - که یکی از نویسندگان خبره اهل سنت است - در کتاب *ترجمه علی بن ابی طالب*، شبهه توصیف حیوانات را این گونه مطرح می‌کند:

توصیف دقیق، سجع و آرایه‌های ادبی [که در *نهج البلاغه* آمده است] از جمله اموری است که در صدر اسلام شناخته نبوده و سابقه نداشته است.^۲

احمد امین (م ۱۹۵۴) - مؤلف کتاب *فجر الاسلام* - نیز در بخشی از کتاب خود درباره این شبهه آورده است:

نهج البلاغه - که مشتمل بر بسیاری از خطبه‌ها، دعاها، نامه‌ها، موعظه‌ها و حکمت‌هاست - را به علی علیه السلام نسبت داده‌اند، در حالی که در مجموع این کتاب برخی از منتقدان قدیم و جدید مانند صفدی و هوار تشکیک کرده‌اند. آنچه موجب این

۱. برای نمونه می‌توان از موارد ذیل نام برد: «پاسخی به شبهاتی پیرامون نهج البلاغه»، «نهج البلاغه از کیست؟»، «فی الدفاع عن نهج البلاغة و الرد علی شبهات الدكتور شوقی ضیف»، «دعوات و شبهات آثارها البعض حول نهج البلاغة».

۲. *ترجمه علی بن ابی طالب*، به نقل از *مع المشککین*، ص ۵۶.

تردید شده، اموری چند است؛ از جمله معانی دقیق و آرایش شده در اسلوب و سبکی که جز در عصر خلفای عباسی شناخته نشده است؛ مانند آنچه در وصف طاووس می‌بینی.^۱

محمد محیی‌الدین عبدالحمید (م ۱۹۷۲) در مقدمه‌ای که بر شرح نهج البلاغه محمد عبده نوشته آورده است:

[سومین امری که موجب تردید برخی از عالمان اهل سنت در انتساب این کتاب شد، آن است که] در نهج البلاغه دقت در توصیف، استخراج ویژگی‌های موصوف و به‌کارگیری فکر و نهایت دقت وجود دارد، چنان که در توصیف خفاش، طاووس، مورچه و ملخ دیده می‌شود. [در حالی که] عالمان و ادیبان صدر اسلام به هیچ‌یک از آن توجه نداشته‌اند و تنها پس از ترجمه کتب ادبی و فلسفی یونانی و فارسی است که عرب با آن آشنا شد.^۲

همچنین محمد سید کیلانی (معاصر) در ادامه جریان انتقادی یاد شده، این‌گونه سخن گفته است:

سومین موضوعی که [موجب تضعیف نهج البلاغه می‌شود و حتی] بر تردید تو می‌افزاید، آن است که بسیاری از خطبه‌های آن در بر دارنده علوم است که تنها پس از گذشت زمان بسیار از عصر علی [علیه السلام] در جامعه اسلامی شناخته شد؛ مانند توصیفات که درباره مورچه، خفاش و طاووس بیان شده است.^۳

محمد طاهر درویش (معاصر) نیز به این شبهه اشاره کرده و گفته است:

در نهج البلاغه وصف طاووس، خفاش، زراعت، ابرها و دیگر مخلوقات صورت گرفته است که با تأمل در آنها انسان [در نسبت آن به علی علیه السلام] تردید می‌کند و گاه به نفی آن بیشتر متمایل می‌شود تا اثبات آن؛ چرا که این سخنان آراسته در سبک و اسلوبی بیان شده است که به عصر عباسیان بیشتر شبیه است تا عصر علی [علیه السلام].^۴

اما شیخ عزیزالله عطاردی مصحح شرح نهج البلاغه از مؤلف ناشناخته قرن هشتم، به نقل از یکی از معترضان به این کتاب درباره توصیف طاووس نکته‌ای جدید بیان

۱. فجر الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۵ - ۱۷۶.

۲. شرح نهج البلاغه، ص ۴.

۳. اثر التشیع فی الادب العربی، ص ۵۱ - ۶۷.

۴. الخطابة فی صدر الاسلام، ص ۳۳۰ - ۳۳۳.

کرده است:

در نهج البلاغه وصف طاووس و ویژگی‌های آن به میان آمده است، حال آن که تردیدی وجود ندارد که طاووس در حجاز زندگی نمی‌کرد. پس علی بن ابی طالب کجا آن را دیده است که این گونه آن را توصیف می‌کند و با دقت از خلقت، رنگ و نوع لقاحش خبر می‌دهد؟ گویا روزهای بسیاری با طاووس به سر برده است!^۱

۲. تبیین و جمع‌بندی آرا

برای جمع‌بندی سخنان این گروه از منتقدان نهج البلاغه و ارزیابی دیدگاه آنان، باید گفت سخنان آنان به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: نخست، اشکالاتی است که نسبت به سبک و اسلوب سخنان امام علیه السلام در توصیف مخلوقات بیان شده است که این خود به دو گروه توصیف حیواناتی چون خفاش، ملخ، مورچه و طاووس و توصیف مخلوقاتی مانند ابر، زراعت، انسان و ... قابل تقسیم است و بخش دوم، اشکالی است که تنها درباره طاووس و محل زندگانی آن وارد شده است. از منظر دیگر، انتقادات اهل سنت در این باره، حاوی نکاتی چند است که می‌توان به صورت خلاصه و به شرح ذیل بیان کرد:

۱. توصیف دقیقی که درباره برخی حیوانات بیان شده، بر سبک و اسلوبی است که جز در عهد عباسیان شناخته شده نیست و جامعه عرب تنها بعد از ترجمه کتب یونانی و فارسی با آن آشنا شد.

۲. زیستگاه حیوانی چون طاووس - که در نهج البلاغه وصف شده - در جزیره العرب نبوده و توصیف چنین حیوانی از زبان امام علی علیه السلام امکان نداشته است.

۳. نمونه توصیفات امام علی علیه السلام

۳-۱. توصیف آفرینش حیوانات

برای ارزیابی آگاهانه و داوری عالمانه، باید اطلاع دقیق و روشنی از موضوع شبیهه داشت. برای این منظور باید متونی را که اهل سنت به عنوان مصادیق شبیهه معرفی کرده‌اند مطالعه کرد و ادعای آنان را درباره توصیفات دقیق راستی‌آزمایی نمود. یکی از این توصیفات، خلقت حیوانات است.

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۱.

الف) توصیف مورچه

بنگرید به مورچه و خردی جثّه آن و لطافتش! در برون و نهان چنان است که به گوشه چشمش نتوان دید و با اندیشیدن به چگونگی خلقتش نتوان رسید. چگونه بر زمین جنبد و به روزی خود خنبد؛ دانه را به لانه خود بَرَد و در قرارگاه خویش آماده اش کند. و اگر بنگری در گذرگاه های خوراک او که چه سان از بالا و زیر پیوسته است به هم، و آن چه درون اوست از غضروف های آویخته به دنده تا شکم، و آن چه در سر اوست از چشم و گوش هم، از آفرینش او جز شگفتی نتوانی.^۱

ب) توصیف خفاش

پس شب پره در روز، پلک ها را بر سیاهی دیده ها اندازد و شب را چراغی سازد که در جستن روزی خود از آن راه یابد و سیاهی شب، دیده هاش را نبندد و به سبب تاریکی انبوه، از رفتن در شب رخ برنتابد. پس پاک و منزّه است خدایی که شب را روز او و هنگام فراهم کردن معیشتش و روز را وقت آسایش و گاه استراحتش کرده است و برای آن از گوشت وی بال هایی ساخته است که هنگام نیاز به پرواز، بدان بالا رود؛ بال هایی که چون لاله گوش از پَر و انبوه پرداخته است. و شب پره را دو بال است، نه چندان نازک که درهم شکند و نه چندان ستر که سنگینی کند. می پرد و بچّه او بدو چسبیده و به مادر پناهیده است.^۲

ج) توصیف ملخ

و اگر خواهی از ملخ بگویم که دو دیده سرخ برای آن آفرید و دو حلقه چون ماه تابان برایش افروخت و او را گوشی پوشیده و پنهان بداد و برایش دهانی به اعتدال گشود و حسی نیرومند و به کمال. و دو دندان پیشین که بدان ها ببرد و دو پای داس مانند که بدان ها چیزی را بگیرد.^۳

د) توصیف طاووس

و شگفت انگیزتر آن پرندگان در آفرینش، طاووس است که آن را در استوارترین هیئت پرداخت و رنگ های آن را به نیکوترین ترتیب مرتّب ساخت؛ با پری که نای استخوان های آن را به هم در آورد و دمی که کشش آن را دراز کرد. چون به سوی ماده پیش رود، آن دم در هم پیچیده را وا سازد و بر سر خود برافرازد که گویی بادبانی است

۱. نهج البلاغه (ترجمه شهیدی)، خ ۱۸۵.

۲. همان، خ ۱۵۵.

۳. همان، خ ۱۸۵.

برافراشته و کشتیبان زمام آن را بداشته. به رنگ های خود می نازد و خرامان خرامان دُم خود را بدین سو و آن سو می برد و سوی ماده می تازد. چون خروس می خیزد و چون نرهای مست شهوت، با ماده درمی آمیزد. این داستان که تو را گویم داستانی است از روی دیدن، نه چون کسی که روایت کند بر اساس حدیثی ضعیف شنیدن. پنداری نای های پراو، شانه هاست از سیم ساخته و آن گردی های شگفت انگیز آفتاب مانند که بر پراو رسته است، از زرناب و پاره های زبرجد پرداخته. و اگر آن را همانند کنی بدان چه زمین رویانیده، گویی گل های بهاره است، از این سوی و آن سوی چیده، یا چون بردیمانی زیبا.^۱

۳-۲. توصیف آفرینش انسان

دسته دیگر از موضوعاتی که امام علی علیه السلام به وصف دقیق و علمی آن پرداخته، خلقت انسان است. از جمله این متون، سخنی است که درباره طینت انسان بیان فرمود:

سرشت مردم از یکدیگر جداشان ساخته است و میان شان تفرقه انداخته که ترکیب شان از پاره ای زمین است که شور و یا شیرین است و خاکی درشت یا نرمین. پس آنان به اندازه نزدیکی زمین شان با هم سازوارند و به مقدار اختلاف آن از یکدیگر به کنار. پس نیکوچهره ای بینی کانا و کوتاه، همتی درازبالا و نیکوکرداری زشت منظر و خردجثه ای ژرف نگر و نیک سیرتی با سیرت ناخوش و سرگشته دلی آشفته هوش و گشاده زبانی گویا با دلی آگاه و بینا.^۲

ایشان در توصیف مرحله دیگری از آفرینش انسان به تکوّن خلقت در رحم اشاره کرده و فرمود:

خداوندش [آن را] در ظلمت زهدان ها و درون غلاف ها و پرده ها پدید آورد؛ نطفه ای جهنده و خونی لخته شده بود، بی هیچ صورتی.^۳

همچنین درباره اعضا و جوارح انسان زبان به توصیف گشوده و می فرماید:

با پیه می نگرد و با گوشت سخن می گوید و با استخوان می شنود و از شکافی دم برمی آورد.^۴

۱. همان، خ ۱۶۵.

۲. همان، خ ۲۳۴.

۳. همان، خ ۸۳.

۴. همان، ح ۸.

۴. ارزیابی و نقد اشکال

کتاب *نهج البلاغه* از معدود آثاری است که از عصر تألیف، با استقبال اندیشمندان اسلامی مواجهه بوده و آثار بسیاری درباره آن نگاشته شده است.^۱ نگاه به این کتاب شریف و اعتبار آن، همیشه یکسان نبوده و برخی از نویسندگان اهل سنت با رویکردی انتقادی مطالب آن را به چالش کشیده‌اند و نقدهایی وارد ساخته‌اند؛ اما بیشتر کسانی که در این باره قلم زده‌اند و داد سخن سر داده‌اند، بدون انگیزه علمی و تنها به هدف خرده‌گیری و تضعیف *نهج البلاغه* به نقد آن دست یازیده‌اند. در این صورت اگر افرادی بخواهند به این نقدها پاسخی منطقی دهند، آنها باز به کار خود ادامه خواهند داد و به این جواب‌ها اعتنایی نمی‌کنند؛ چراکه اساساً هدف آنها آگاهی و پاسخ‌یابی نیست و تنها از روی غرض‌ورزی و با انگیزه‌های غیرعلمی به طرح این نقدها پرداخته‌اند.

۵. تضعیف اشکال از سوی مخالفان

برای نمونه، نقد توصیفات دقیق امام علیه السلام درباره آفرینش مخلوقات، از جمله نقدهای ضعیف و سستی است که صلاحیت اعتنا و توجه علمی را ندارد؛ زیرا از یک سو، بررسی و ارزیابی استدلال قائلان آن نشان می‌دهد که آنان هیچ شناختی از تاریخ ادب عرب و منابع آن نداشته‌اند و از سوی دیگر، برخی از مخالفان، خود بر این نقد ایراد گرفته‌اند و آن را تضعیف کرده‌اند؛ گواه این سخن، احمد زکی صفوت است که درباره این شبهه می‌گوید:

واخالک بعد اجالة النظر في هذا الوصف تحکم إنه لا أثر للذقة فيه، وإنما هو في الواقع مقال وعظی تذکیری وليس من الوصف العلمی فی شیء.^۲

از نگاه صفوت، زمانی که به این توصیفات نگاه می‌کنید متوجه می‌شوید که این سخنان از نوع وعظ و ارشاد و تذکر است و هیچ‌گونه جنبه علمی دقیق ندارند؛ بلکه امام می‌خواهد با اشاره به کیفیت آفرینش این مخلوقات توجه مخاطب خود را به قدرت خالق جلب کند. اما ناقد دیگری که از دامن زندگان به این شبهه بود، محمد طاهر درویش - نویسنده کتاب *اثر الخطابة فی صدر الاسلام* - است که اذعان داشته این توصیفات به تبعیت از سبک

۱. کتاب‌هایی مانند *خطب علی علیه السلام*، نوشته عبدالعزیز بن یحیی جلودی، کتاب *زید بن وهب جهنی*؛ شرح *نهج البلاغه* ابن میثم، شرح *نهج البلاغه* ابن ابی الحدید، مستدرک *نهج البلاغه* هادی کاشف الغطاء و بسیاری کتب دیگر.
۲. ترجمه *علی بن ابی طالب*، به نقل از *مع المشککین*، ص ۱۲۷.

قرآن رخ داده است؛ چرا که امیرالمؤمنین علیه السلام شاگرد قرآن بود و او این درس را از قرآن آموخته است:

ربما قرب الى العقول أن ترى في هذه الاوصاف درساً دعاه امير المؤمنين عن القرآن حين وصف النحل والنمل والطير والاجنة في الارحام وامر بالنظر في المخلوقات والتأمل في ملكوت السماوات والارض.^۱

محمد محیی الدین عبدالحمید نیز پس از نقل این شبهه به تضعیف آن پرداخته و گفته است:

فانا لانقضى العجب من جعله سببا لهذه الدعوى، ومتى كانت دقة التخييل واجادة الوصف وقفا على قوم دون قوم أو ليس الشعر العربي مملوءا بدقة الوصف واستكمالها؛^۲ من در شگفتیم که چگونه برخی این مطلب را دلیل بر ادعای خود (ضعف نهج البلاغه) قرار داده‌اند، در حالی که اشعار عرب سرشار از این گونه توصیفات است!

۶. مستندات تاریخی سخنان امام علی علیه السلام

در پاسخ به شبهه مورد بحث، باید به نمونه‌هایی اشاره کرد که افزون بر همخوانی داشتن به لحاظ سبک و محتوا با سخنان امام علی علیه السلام به لحاظ تاریخی نیز در صدر اسلام و حتی عصر جاهلی رواج داشته باشند. شعرا و خطبای جاهلی در اشعار و سخنرانی‌های خود به فخر، حماسه، وصف و ... می‌پرداختند و ویژگی‌ها، آداب و رسوم زندگی بادیه‌نشینان نیز در اشعار و سخنان آنها نمایان بود.

آنان آن چه را در اطراف خود می‌دیدند به طور واقع‌گرایانه توصیف می‌کردند؛ تمثیل طبیعت، یکی از ویژگی‌های بارز شعر جاهلی است و توصیف حیوانات و نباتات ویژگی دیگر شعر جاهلی به شمار می‌رود که نمونه‌هایی چون توصیف شتر، اسب، رعد و برق، شب، خورشید، بیابان و ... به خوبی در متون آنان قابل پی‌جویی است.^۳

۶-۱. نمونه‌هایی از اشعار جاهلی

با تتبع در منابع ادبی عصر جاهلی به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که در آن به توصیف

۱. نک: الخطابة في صدر الاسلام، ج ۱، ص ۳۳۰ - ۳۳۳.

۲. شرح نهج البلاغه، ص ۶.

۳. نک: الحيوان في شعر الجاهلي، ص ۸۸ - ۸۹.

موجودات و حیوانات پرداخته شده است؛ مانند شعری که امرؤ القیس در وصف شب سروده است:

وَلَيْلٍ كَمَوْجِ الْبَحْرِ أَرْحَى سُدُورَهُ عَلَيَّ بِأَنْوَاعِ الْهَمُومِ لِيَبْتَلِي
فَقُلْتُ لَهُ لَمَّا تَمَطَّى بِصُلْبِهِ وَأَزْدَفَ أَعْجَازاً وَنَاءً بِكُلِّ كَلٍ
أَلَا أَيُّهَا اللَّيْلُ الطَّوِيلُ أَلَا أَنْجَلِي بِصُبْحٍ وَمَا الْإِصْبَاحُ مِنْكَ بِأَمْثَلٍ^۱

و یا شعر طرفه بن العبد که به توصیف شتر پرداخته است:

وَإِنِّي لَامِضِي الْهَمِّ عِنْدَ اخْتِضَارِهِ بَعُوجَاءِ مِرْقَالٍ تَرْوِحُ وَتَغْتَدِي^۲

یکی دیگر از شاعران دوره جاهلی که در اشعار خود به توصیف طبیعت پرداخته، عبید بن ابرص است. در قصاید این شاعر، بسیار به وصف شتر و اسب و بیابان و... پرداخته شده است. در اشعاری که وی درباره شتر سروده است، به مهره‌های شتر و محکم بودن آنها و به توصیف گشادگی پیشانی این حیوان می‌پردازد.^۳

همچنین عبید در دیگر شعر خود آورده است:

فَدَعَا هَدِيلاً سَاقٍ حَرَّصَحْوَهُ فَدَنَا الْهَدْيِلُ لَهُ يَصُبُّ وَيَصْعَدُ
وَبَدَا بِكُوكَبِهَا صَعِيدٌ مِثْلَ مَا رِيحَ الْعَبِيرِ عَلَى الْمَلَابِ الْأَصْفَدُ
أَرَقْتُ لِضَوْءِ بَرْقِ فِي نَشَاصٍ تَلَّالًا فِي مُمَلَّاتٍ غِصَاصٍ^۴

شاعر در بیت اول به توصیف رفتار قمری نر و ماده می‌پردازد و قمری نر با آواز سردادن موجب می‌شود قمری ماده به او نزدیک شود. همچنین در ابیات دیگر نیز به توصیف طبیعت و آذرخش و ابر پر باران می‌پردازد.

همان‌طور که این‌گونه توصیفات در دوره جاهلی رواج داشته، در دوره صدر اسلام نیز بوده است؛ زیرا ادب جاهلی با ادب اسلامی رابطه‌ای دو سویه دارد و هر دو از یکدیگر اثر

۱. تاریخ الادب العربی للعصر جاهلی والعصر الاسلامی، ص ۹۹ - ۱۰۰:

سوکند به شب که مثل موج دریا پرده‌های سیاهش را با انواع آندوه و غم بر من گسترانیده تا بیازماید.

گفتم به او زمانی که با قدرتش امتداد یافت و در حالی که شگفتی‌ها را بر ترک خود سوار کرده بود و دور شد.

هان ای شب طولانی! صبح نکن که صبح کردن تو چیزی جز پنهان شدن نیست.

۲. همانا من غم را هنگام آمدنش ادامه نمی‌دهم، به سبب داشتن ماده شتر لاغر تندروری که شامگاه به آغل برمی‌گردد و بامدادان می‌رود.

۳. نک: «وصف در دیوان عبید بن ابرص»، ص ۲۲۵ - ۲۰۷.

۴. همان..

پذیرفته‌اند؛ چنان‌که آموزه‌های اسلام با عمق بخشیدن به موضوع و محتوای متون ادبی بر ادبیات جاهلی تأثیر گذاشته و ادب اسلامی نیز در اسلوب و فنون ادبی از ادبیات جاهلی پیروی کرده است.^۱

ظهور اسلام در جزیره العرب، افزون بر آن که موجب تغییر عادات، اخلاق و سایر احوال عرب جاهلی شد، در اشعار و ادبیات عرب نیز به روشنی تأثیرگذار بود. اعراب پیش از اسلام به انساب و قبایل خود فخر می‌ورزیدند و در وصف قبایل خود اشعار فراوانی را سروده، هرچه می‌توانستند نسب خود را بالا می‌بردند. اما پس از ظهور اسلام همه این قبایل و طایفه‌ها زیر پرچم اسلام به یک طایفه تبدیل شدند و در بسیاری از اشعار خود به مدح اسلام پرداختند. از این رو می‌توان گفت تفاوت بین ادبیات عرب جاهلی با ادبیات اسلام در حکمت و بلاغت آنهاست؛ یعنی خطبا و شعرا به تقلید از اسلوب قرآن و با اقتباس از آیات کتاب وحی به شعر و سخنرانی می‌پرداختند.^۲

برای نمونه، نابغه الجعدی یکی از شعرای مخضرمین^۳ است که در دوره جاهلیت از مفاخر قوم خود به شمار می‌رفت. وی از جمله شاعرانی است که از گمراهی و ضلالت رو به اسلام آورد و در راه خدا جهاد کرد و در شب و روز به تلاوت قرآن مشغول بود. وی با اقتباس از قرآن و سبک ادبی آن شعری را در وصف آفرینش انسان سرود:

الخَالِقِ الْبَارِي الْمَصَوَّرِ فِي الْ	أَرْحَامِ مَاءٍ حَتَّى يَصِيرَ دَمًا
مِنْ نُطْفَةٍ قَدَّهَا مَقْدَرُهَا	يَخْلُقُ مِنْهَا الْأَبْشَارَ وَالنَّسْمَا
ثُمَّ عِظَامًا أَقَامَهَا عَصَبٌ	ثُمَّ لَهَا كَسَاهُ فَأَلْتَأَمَا
ثُمَّ كَسَا الرِّأْسَ وَالْعَوَاتِقَ أَب	شَارًا وَجِلْدًا تَخَالَه أَدْمَا ^۴

۱. نک: کتاب زید بن وهب جهنی، ص ۵۵.

۲. تاریخ ادب اللغة العربیه، ج ۱، ص ۱۸۷.

۳. مخضرم، به افرادی اطلاق می‌شود که عصر جاهلی و عصر اسلام را با هم درک کرده باشند. (الرعاية فی علم الدراریة، ص ۳۴۷)

۴. تاریخ الادب العربی (العصر الاسلامی)، ص ۱۰۳.

آفریننده پیکرساز در رحم‌ها آب را به خون تبدیل کرد و در محل مقدر شده، نطفه را به دو نیم کرد و از آن نطفه بشر و جانداران را خلق کرد. سپس استخوان‌ها را برپا داشت و دستگاه عصبی آن را خوب پوشانید؛ پس درست شد. سپس روی آنها را با پوست پوشانید که لایه درونی را حفظ کند.

۲-۶. متون ادبی عصر جاهلی

در عصر جاهلی خطبای مشهوری بودند که هر کدام بر حسب موقعیت به سخنرانی‌های مختلف وعظی، حماسی و ... می‌پرداختند. یکی از خطیبان مشهور جاهلی - که اسقف نجرانی نیز بود - قیس بن ساعده ایادی است. وی در بازار عکاظ خطبه وعظیه‌ای بسیار زیبا ایراد کرد. او در حین انذار و موعظه مردم از توصیف طبیعت مانند دریاهاى موج‌دار، آسمانی که دارای برج‌هایی است یا ستارگان درخشان و ... استفاده کرده است. وی در بخشی از خطابه خود این گونه سخن رانده است:

ایها الناس اسمعوا وعوا، واذا وعیتم فانقعوا، انه من عاشر مات، ومن مات فات، وما هوأت آت، مطرونیات وارزاق واقوات، وایاء وامهات، وایاء واموات وجمع وشتات، وایات بعد ایات، لیل موضوع وسقف مرفوع ونجوم تغود وارضی قومو بحورتوج، و تجارة تروج، وضوء وظلام، وبروآلم، ومطعم ومشرّب وملبس ومركب، الااین ابلغ العظّات، السیرفی الفلوات، والمنظرالی محل الاموات، ان فی السماء الخبراء، وان فی الارض العبرا، لیل داج، وسماء ذات ابراج وارض ذات ارتاج، وجمارذات امواج.^۱

۳-۶. متون ادبی عصر اسلام

نمونه متونی که در آن به توصیف اشیا پرداخته شده است، سخنرانی یکی از یاران امام علی علیه السلام به نام صعصعة بن صوحان است. صعصعه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمان شد، اما به زیارتش نایل نگردید. وی - که از یاران نزدیک امام علی علیه السلام به شمار می‌رفت - سخنوری چیره‌دست و پیر آوازه نیز بود. معاویه بارها تلاش کرد صعصعه به گونه‌ای بر علی علیه السلام طعنه زند؛ اما چیزی جز رسوایی بهره‌اش نشد.^۲ بنا به نقلی امام علی علیه السلام درباره او فرمود:

هذا الخطیب الشحشح ...^۳

صعصعة بن صوحان در یکی از گفت‌وگوهای خود با معاویه به توصیف خرما پرداخت و این توصیف را به قدری زیبا بیان کرد که انسان به فکر فرو می‌رود که وقتی شاگرد علی علیه السلام این همه بهره سرشار از بلاغت دارد، معلم و پیشوای او داری چه جایگاهی است! صعصعه نزد معاویه چنان زیبا سخن گفت که عمرو بن عاص بر او حسد برد و گفت: این

۱. تاریخ الادب العربی قبل الاسلام، ص ۴۵۳.

۲. دانش‌نامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۳، ص ۲۹۳-۲۹۵.

۳. بهج الصباغه فی شرح النهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۵.

[مرد] خرما را بهتر از سخن می‌شناسد! صعصعه گفت: آری، خوب‌ترین خرما آن است که هسته‌اش باریک (کم‌قطر) و پوستش نازک و گوشتش زیاد باشد. باد، آن را فربه می‌سازد و خورشید آن را بار می‌آورد و سرما آن را سخت می‌کند.^۱

۷. مستندات قرآنی سخنان امام علی علیه السلام

از جمله مسائلی که قرآن کریم در مسیر هدایت و عبرت‌آموزی انسان مطرح نموده، توجه به خلقت حیوان و انسان است؛ چنان‌که بخش درخور توجهی از آیات قرآن را آفرینش، نحوه زندگی، ویژگی‌ها، احکام و منافع حیوانات تشکیل می‌دهد.^۲ همچنین می‌توان آیات بسیاری را درباره آفرینش انسان در این کتاب مقدس مشاهده کرد که همه این امور با فرهنگ و زبان مخاطب عصر نزول همخوانی داشته است.^۳ در مثل، عرب برای اسب، اهمیت بسیاری قائل بود و به آن توجهی ویژه مبذول می‌داشت. او از اسب برای تفریح و تفرج، جنگ‌آوری، کوچ و اقامت استفاده می‌کرد. از این‌روست که قرآن نیز توجه و عنایت اعراب به اسب را از نظر دور نداشته و برای اسبان، بهترین تعریف‌ها و تمجیدها را آورده است.^۴ برای نمونه، می‌توان به سوره عادیات اشاره کرد که اسب‌ها با کوبش سم‌هاشان بر سنگ‌ها شعله برمی‌انگیزند و در صبحگاهان بر دشمن یورش می‌برند و اجتماع دشمن را زیر و رو می‌کنند.^۵ همچنین فیل حیوان دیگری است که - به‌رغم وجود نداشتن آن در سرزمین حجاز - در قرآن کریم از آن یاد شده و قصه‌اش در تاریخ عرب قبل از اسلام معروف است.^۶ قرآن، درباره آفرینش انسان نیز بسیار سخن گفته است و خداوند متعال در سوره‌ها و آیات فراوانی به نوع آفرینش انسان اشاره کرده است. برای مثال، در سوره مؤمنون می‌فرماید:

همانا ما آدمی را از گل خالص آفریدیم. پس آن گاه او را نطفه گردانیده و در جای استوار

۱. قاموس الرجال، ج ۵، ص ۴۹۷.

۲. برای نمونه، خداوند در این آیات درباره منافع حیوانات، ویژگی‌های شان و... صحبت می‌کند: انعام، ۱۴۲؛ نحل، ۵، ۸، ۱۴، ۶۸.

۳. برای نمونه، خداوند متعال در آیات ذیل به مراحل خلقت انسان اشاره کرده است: روم، ۲۰؛ فرقان، ۵۴؛ طارق، ۵ - ۷؛ غافر، ۶۷.

۴. نک: نگاهی به دنیای حیوانات در قرآن کریم، ص ۸۵.

۵. عادیات، ۱ - ۴.

۶. فیل، ۱ - ۲.

قرار دادیم. آن گاه آن نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان و سپس بر استخوان ها گوشت پوشانیدیم. پس از آن خلقتی دیگر انشا نمودیم. آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده!^۱

همچنین در سوره غاشیه به توصیف خلقت شتر پرداخته به نوع آفرینش آسمان، کوه ها و گسترده بودن زمین اشاره می کند:

آیا مردم در خلقت شتر نمی نگرند که چگونه خلق شده است؟ و در خلقت کاخ آسمان بلند فکر نمی کنند که چقدر و چگونه به استحکام و نظم گردش و اشعه و انوار نیکو آفریدند و کوه ها را نمی بینید که چگونه بر زمین برافراشته اند و به زمین نظر نمی کنند که چگونه گسترده اند؟^۲

مطالعه و تأمل در نمونه های یاد شده، دو نتیجه و پیامد علمی می تواند داشته باشد:

۱. اصل توصیفات حیوانات، نباتات و ... در عصر جاهلی و اسلام وجود داشته است.
۲. محتوای توصیفات امام علیه السلام درباره حیوان و انسان، هم در عصر جاهلی و هم در صدر اسلام سابقه داشته است.

۸. پاسخ به شبهه طاووس

توصیف طاووس در *نهج البلاغه*، از جمله موضوعاتی است که علاوه بر سبک و اسلوب، از منظر دیگر نیز مورد انتقاد قرار گرفته است. برخی مخالفان *نهج البلاغه* می گویند: علی بن ابی طالب علیه السلام از کجا طاووس را دیده بود که این چنین وصف می کند؟ امام علی علیه السلام حتی به وصف رنگ های پر طاووس و نوع آمیزش این حیوان نیز اشاره می کند. آنان می گویند چون در حجاز طاووس زندگی نمی کرد که علی علیه السلام آن را ببیند و وصف کند، این خطبه نمی تواند از علی علیه السلام صادر شده باشد.^۳

در پاسخ باید گفت که اولاً زندگی نکردن یک حیوان در یک منطقه جغرافیایی به معنای وجود نداشتن آن حیوان در آن منطقه نیست؛ ثانیاً در هیچ کجای کلام امام علیه السلام اشاره ای وجود ندارد که ایشان طاووس را در حجاز دیده است؛ بلکه این رؤیت می تواند در کوفه و در ایام خلافت ایشان اتفاق افتاده باشد؛ چنان که ابن ابی الحدید در شرح خود بر *نهج البلاغه* به

۱. مؤمنون، ۱۲-۱۴.

۲. غاشیه، ۱۷-۲۰.

۳. نک: *فجر الاسلام الخطابی فی صدر الاسلام*، مقدمه شرح *نهج البلاغه* عبده.

این نکته تصریح کرده و می‌گوید:

ممکن است امیر المؤمنین در مدینه این حیوان را ندیده باشد، اما در کوفه و عراق که از اطراف و اکناف دنیا برایش هدایا می‌فرستادند، یک جفت طاووس نر و ماده برایش هدیه آورده باشند. پس هیچ بعید نیست که آن حضرت این پرنده را دیده باشد.^۱

افزون بر آن که با توجه به گزارش کتاب *المفصل فی تاریخ العرب* - که از ورود طاووس به شهر یمامه خبر داده است^۲ - احتمال مشاهده طاووس در سرزمین حجاز همچنان مطرح است. این مسئله، غیر از یادکردی است که در اشعار عرب جاهلی از طاووس صورت گرفته است؛ چرا که اگر مردم حجاز با این حیوان بیگانه بودند، چگونه در اشعار خود از آن یاد می‌کردند؟ برای نمونه روبة بن عجاج - شاعر معروف عرب - گفته است:

كما استوی بیض النعام الاملاس مثل الدمی تصویر هن اطواس^۳

نتیجه

از جمله مباحث در خور توجه در مطالعات *نهج البلاغه*، بررسی و نقد شبهاتی است که بر این کتاب شریف وارد می‌شود. یکی از شبهات مطرح شده، توصیفات دقیق امام علی علیه السلام درباره آفرینش موجودات (حیوان و انسان) است. برخی نویسندگان اهل سنت مانند احمد زکی صفوت، احمد امین، محمد محیی‌الدین عبدالحمید، سید کیلانی، محمد طاهر درویش و ... این گونه توصیف‌ها را با عصر خلفای عباسی و ترجمه کتب یونانی به زبان عربی مرتبط دانسته‌اند. اما با بررسی مستندات موجود و پی‌گیری شواهد تاریخی درمی‌یابیم که شبهه یادشده بسیار ضعیف است؛ چرا که حتی برخی از ناقدان، مانند احمد زکی صفوت و محمد محیی‌الدین عبدالحمید، آن را تضعیف کرده‌اند. افزون بر آن، به استناد شواهد فراوان تاریخی، توصیف حیوانات، نباتات و ... هم در عصر جاهلی وجود داشته است (مانند توصیف شب توسط امرؤ القیس) و هم در صدر اسلام (مانند شعری که از نابغه جعدی در توصیف آفرینش انسان نقل شده است). از این رو بر اساس بررسی تاریخی صورت گرفته و ذکر مستندات که مربوط به دوره جاهلیت و اسلام بوده است، روشن شد که شبهه وارده نمی‌تواند هیچ خدشه‌ای به ساحت اعتبار *نهج البلاغه* وارد سازد.

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۷۰.

۲. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳. امیر المؤمنین و نهج البلاغه، ج ۱، ص ۵۰۳.

کتاب نامه

- اثر التشیع فی الادب العربی، محمد سید کیلانی، قاهره، لجنة النشر للجامعيين ۱۹۴۷ م.
- امیر المؤمنین علیه السلام ونهج البلاغه، عزیز الله عطاردی، تهران، نشر عطارد، ۱۳۷۹ ش.
- بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة، محمد تقی شوشتری، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۶ ش.
- «پاسخی به شبهاتی پیرامون نهج البلاغه»، محمد حسن آل یاسین، ترجمه: محمود عابدی، فصل نامه پژوهش های نهج البلاغه، ش ۱۱ - ۱۲، تهران، بنیاد نهج البلاغه، زمستان ۱۳۸۳ ش.
- تاریخ ادب اللغة العربیة، جرجی زیدان، بیروت، منشورات دارالمکتبة الحیة، ۱۹۹۲ م.
- تاریخ الادب العربی (العصر الاسلامی)، شوقی ضیف، قاهره، دارالمعارف، بی تا.
- تاریخ الادب العربی قبل الاسلام، نوری محمودی القیسی، البیاتی، عادل جاسم، وزارت التعليم العالی و البحث العلمی، ۱۹۹۸ م.
- تاریخ الادب العربی للعصر جاهلی والعصر الاسلامی، الحسن الندوی، محمد واضح رشید، دمشق، دارابن کثیر، ۲۰۰۲ م.
- الحیوان فی شعر الجاهلی، حسین جمعه، سوریه، دار رسلان، ۲۰۱۰ م.
- الخطابة فی صدر الاسلام، محمد طاهر درویش، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۶۷ م.
- دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام، محمد محمدی ری شهری، ترجمه: عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۹ ش.
- دعوات و شبهات أثارها البعض حول نهج البلاغة، عبد الرسول غفاری، مجله تراثنا، ش ۳ - ۴، ۱۴۲۸ ق.
- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحديد معتزلی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۳۷ ش.
- شرح نهج البلاغه، شارح قرن هشتم، تصحیح: عزیزالله عطاردی، قم، بنیاد نهج البلاغه، انتشارات عطارد، ۱۳۷۵ ش.
- شرح نهج البلاغه، محمد عبده، تصحیح: عبدالحمید محمد محیی الدین، قاهره، مطبعة الاستقامة، بی تا.
- فجر الاسلام، احمد امین، لجنة التألیف و الترجمة والنشر، بی تا.
- «فی الدفاع عن نهج البلاغة و الرد على شبهات الدكتور شوقی ضیف»، تورج زینی وند، مجلة العلوم الانسانية، ش ۴.

- قاموس الرجال، محمدتقی شوشتری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، بی تا.
- کتاب زید بن وهب جهنی (بازیابی یکی از نخستین نگاشته ها درباره خطب امیرمؤمنان علی علیه السلام)، مهدی مردانی، قم، دلیل ما، ۱۳۹۳ ش.
- مع المشککین فی نهج البلاغة، عادل حسن الاسدی، بیروت، مكتبة العزیزی، ۲۰۰۷ م.
- المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، جواد علی، بغداد، جامعة البغداد، ۱۹۹۱ م.
- نگاهمی به دنیای حیوانات در قرآن کریم، جلیل ابوالحب، ترجمه: تقی متقدي، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
- «نهج البلاغه از کیست؟»، علیرضا کاوند، فصل نامه حدیث اندیشه، ش ۱۱، ص ۱۵۳ - ۱۹۲.
- نهج البلاغه، شریف رضی، ترجمه: جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
- «وصف در دیوان عبید بن ابرص»، عاطفه عصاره، مجلة اللغة الادب العربی، دانشگاه شهید چمران، ش ۲.
- وفيات الاعیان، ابن خلکان اربلی، تحقیق: احسان عباس، قم، منشورات شریف الرضی، بی تا.